



امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۹۰ دقیقه / شماره برگه: ۱۳ / مدت: ۷۰ دقیقه

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیمسال دوم ۹۷-۹۶
رشته فقه و روی مهر ۹۵

مهر مدرسه

کتاب: اصول فقه ۴	۳۹۶۲/۰۹
درس: دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة - شهيد صدر»	۱۳۹۷/۰۴/۰۲
جزء دوم: از ابتدای الوظيفة فی حالة العلم الاجمالي تا ابتدای ارکان استصحاب: از ابتدای درس ۱۵ تا ابتدای درس ۲۷ (ص ۲۳۵-۸۴)	

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد پستی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- چرا شهید صدر (ره) تعارض اصول (برائت عقلی) را در اطراف علم اجمالی بی معنا می داند؟ ص ۹۴

- الف. اذ لا یعقل التعارض بین حکمین عقلیین
- ب. لانه لا یقبل قاعدة قبح عقاب بالایان
- ج. اذ التعارض خاصة للامارة الظنية
- د. اذ التعارض یرتفع بالعناية العرفية

۲- نظر مرحوم نائینی (ره) در مورد نحوه منجزیت «علم تفصیلی» و «علم اجمالی» نسبت به وجوب موافقت قطعیه، به ترتیب چیست؟ ص ۱۰۱ و ۱۰۲

۰/۵

- الف. علیت - علیت
- ب. إقتضاء - إقتضاء
- ج. علیت - إقتضاء
- د. إقتضاء - علیت

۳- گزینه صحیح درباره تنجیز یا عدم تنجیز علم اجمالی در دوران امر بین محذورین نسبت به یکی از دو تکلیف محتمل کدام است؟ ص ۱۶۶

۰/۵

- الف. عدم تنجیز به دلیل کشف انی ناشی از جریان براءت شرعیه
- ب. عدم تنجیز به دلیل تساوی نسبت علم اجمالی به دو تکلیف
- ج. تنجیز به دلیل کشف لمی ناشی از تحدید مرکز حق الطاعه
- د. تنجیز به دلیل لزوم خروج مکلف از تحیر و تعیین مصبّ ادانه

۴- از نظر سید بحرالعلوم در مناقشه اصل یا اماره بودن استصحاب، علاج تعارض استصحاب و اصالة الحل در صورت اماره بودن استصحاب چیست؟ ص ۲۳۴

۰/۵

- الف. تقدیم استصحاب به دلیل اخصیت
- ب. تقدیم اصالة الحل به دلیل اخصیت
- ج. تقدیم اصالة الحل به دلیل اظهریت
- د. اخذ به قدر متیقن به دلیل تمسک به جمع دلالی

۵- استدلال بر وجوب موافقت قطعیه علم اجمالی و اشکال آن را بر اساس عبارت «ترك الموافقة القطعية بمخالفة احد الطرفين يعتبر مخالفة احتمالية للجامع و المخالفة الاحتمالية للتكليف المنجز غير جائزة عقلاً و یندفع التقرب بمنح المقدمة الاولى» شرح دهید. ص ۹۲

۲

۲- نمره

جواب: استدلال: صغری: ترك موافقت قطعی علم اجمالی به واسطه مخالفت با یک طرف، مخالفت احتمالی با جامع منجز به علم اجمالی است. کبری: مخالفت احتمالی با تکلیف منجز یا همان جامع منجز به علم اجمالی عقلاً جایز نیست. پس ترك موافقت قطعی علم اجمالی عقلاً جایز نیست. اشکال: صغرای قیاس مخدوش است زیرا علم اجمالی متوقف در حد جامع است و فقط جامع منجز است و عقلاً فقط موافقت قطعیه جامع واجب است که آن نیز با اتیان یک طرف از اطراف علم اجمالی که جامع بر آن منطبق است، محقق می شود زیرا وجود جامع به وجود یک فرد از آن حاصل می شود و ترك جامع به ترك جمیع اطراف آن است. بنابر این موافقت قطعیه با علم اجمالی که با اتیان تمام اطراف حاصل می شود لازم نیست.

۶- با توجه به عبارت «ان یعلم اجمالاً بنجاسة احد الطعامین و یكون مضطراً فعلاً الی تناول احدهما المعین فالعلم الاجمالی فیها یسقط عن المنجزية و لكن هذا علی شرط ...» به سؤالات زیر پاسخ دهید. ص ۱۲۶ و ۱۲۷ - ۲ نمره

۲

الف) اصل مسأله را تبیین نمایید. ۰/۵ نمره

جواب: یکی از موارد اختلال در ارکان منجزیت علم اجمالی و سقوط منجزیت آن این است که مکلف، مضطر به یک طرف معین از اطراف علم اجمالی باشد. (۰/۵ نمره)

ب) علت سقوط منجزیت علم اجمالی در مورد بحث چیست؟ ۱ نمره

جواب: علت سقوط منجزیت علم اجمالی، اختلال در رکن اول آن است زیرا در این فرض علم به جامع وجود ندارد. تفصیل: هر تکلیفی منوط به عدم اضطرار است چون اضطرار، مسقط تکلیف است. بنابر این موضوع وجوب اجتناب از نجاست در بحث، صرف نجاست نیست بلکه موضوع آن، نجاست به اضافه عدم اضطرار به

ارتکاب می‌باشد. پس تکلیف آن طرف از طعام که معیناً مورد اضطرار می‌باشد ساقط است بدون اینکه نیاز به اجرای اصل مؤمن در آن باشد زیرا اگر یقیناً هم نجس باشد اضطرار، مانع از وجوب اجتناب می‌باشد و با ارتفاع وجوب اجتناب از طرف مورد اضطرار، علم اجمالی در طرف دیگر به شک بدوی تبدیل می‌شود و فقط نجس شدن طرف دیگر برای مکلف تکلیف می‌آورد که شک بدوی به آن پیدا می‌کند.

ج) شرط سقوط منجزیت علم اجمالی در عبارت چیست؟ ۰/۵ نمره

جواب: اضطرار مکلف به طرف معین یکی از دو طعام، قبل از حدوث تکلیف و قبل از حصول علم اجمالی به آن باشد.

۷- بر اساس عبارت «استشکل المحقق العراقي علی تقریب عدم وجوب الموافقة القطعية للعلم الاجمالي فی الشبهة غیر المحصورة بمحاولة البرهنة علی عدم وجود اطمینان فعلی بعدم انطباق المعلوم بالاجمال علی الطرف المقتحم لأن الاطراف كلها متساوية فی استحقاقها لهذا الاطمینان الفعلي بعدم الانطباق» اشکال محقق عراقی^(۵) و پاسخ آن را بنویسید. ص ۱۴۱ - ۲ نمره

جواب: محقق عراقی بر اطمینان مکلف به عدم انطباق معلوم بالاجمال بر هر یک از اطراف و از جمله بر طرف مورد مخالفت اشکال می‌کند زیرا تک تک اطراف علم اجمالی نسبت به اطمینان فعلی به عدم انطباق معلوم بالاجمال بر آن‌ها مساوی هستند و در نتیجه به تعداد اطراف شبهه غیر محصوره، اطمینان به عدم انطباق داریم که لازمه مجموع این اطمینان‌ها یک قضیه سالبه کلیه است و آن اینکه تکلیف معلوم بالاجمال بر هیچ‌یک از اطراف شبهه غیر محصوره منطبق نیست و این سخن در تناقض با موجه جزئی‌ای است که می‌گوید تکلیف معلوم بالاجمال بر بعضی از اطراف شبهه غیر محصوره منطبق است. پس اطمینان به عدم انطباق در اطراف علم اجمالی منتفی است. پاسخ اشکال: چنانچه مجموع اطمینان‌ها به عدم انطباق منجر به اطمینان به عدم انطباق معلوم بالاجمال بر تمامی اطراف به نحو سالبه کلیه شود حق با شماست که تناقض با قضیه موجه حاصل می‌شود اما صحیح این است که این اطمینان‌ها منجر به قضیه سالبه کلیه نمی‌شود پس تناقض هم منتفی است.

۸- با توجه به عبارت «منها: دعوی انهدام الركن الثالث لان الاصل یجری عن وجوب الاكثر او الزائد و لا یعارضه الاصل عن وجوب الاقل لانه ان ارید به التأمین فی حالة ترک الاقل مع الاتیان بالاكثر فهو غیر معقول و ان ارید به التأمین فی حالة ترک الاقل و ترک الاكثر بترکه رأسا فهو غیر ممکن ایضاً» به سؤالات زیر پاسخ دهید. ص ۱۷۷ - ۲ نمره

الف) اشکال بر برهان عدم امکان اجرای اصل براءت در دوران بین اقل و اکثر در اجزاء را به تفصیل بیان کنید. ۱/۵ نمره

جواب: رکن سوم از ارکان منجزیت علم اجمالی در برهان مذکور، مخدوش است زیرا اصل جاری در وجوب اکثر معارضه‌ای با اصل جاری در وجوب اقل ندارد. چون در جانب اقل وقتی نتوان فی نفسه و با قطع نظر از تعارض براءت جاری کرد اصل جاری در ناحیه وجوب اکثر بدون معارض باقی می‌ماند. دلیل اینکه در جانب اقل نمی‌توان اصل مؤمن جاری کرد این است که ترخیص در ترک اقل از دو حال خارج نیست که هر دو مردود هستند: ۱. ترخیص در ترک اقل در فرض اتیان اکثر؛ غیر معقول است زیرا مکلف در حین اتیان اکثر، اقل را هم اتیان کرده است. ۲. ترخیص در ترک اقل در فرض ترک اکثر؛ غیر معقول است زیرا این ترخیص به معنای مخالفت قطعی با تکلیف بالاجمال است.

ب) نظر شهید صدر^(۵) درباره اشکال بر برهان چیست؟ ۰/۵ نمره

جواب: اشکال از طریق اختلال در رکن سوم فی نفسه صحیح است اما در درون خود، اعتراف به رکن اول و دوم منجزیت علم اجمالی دارد و با توجه به جنبش ترتبی ارکان چهارگانه منجزیت علم اجمالی، با اختلال رکن دوم طبیعی است که نوبت به اختلال در رکن سوم نمی‌رسد. پس اشکال از حیث رتبه در جایگاه خود واقع نشده است.

۹- اگر مکلف جزئی از واجب را فراموش کند و دلیل جزئیّت آن جزء نسبت به حالت نسیان، اطلاق نداشته باشد و زوال نسیان در اثناء وقت واجب حاصل شود کدام اصل عملی جاری می‌شود؟ دلیل آن چیست؟ ص ۲۰۲ و ۲۰۳ - ۲ نمره

جواب: طبق فرض مذکور، تکلیف نسبت به مکلف، فعلی شده است اما در متعلق آن دو احتمال است: ۱. متعلق تکلیف، جامع بین فعل ناقص و تام است یعنی مکلف یا اکتفا به عمل انجام شده فاقد جزء فراموش شده می‌کند یا اینکه واجب با اتیان جزء فراموش شده انجام می‌دهد. معنای این احتمال این است که جزویت جزء فراموش شده مختص به غیر حالت نسیان است و اگر در حال نسیان عملی را بدون جزء آن انجام دهد دلیل جزئیّت شامل این جزء نمی‌شود. ۲. متعلق تکلیف، خصوص واجب تام است و در این صورت فقط عمل تام الاجزاء بر مکلف واجب است و دلیل جزئیّت جزء فراموش شده اطلاق دارد و آن را حتی در حالت نسیان، واجب و لازم می‌داند. پس مورد زوال نسیان در اثناء وقت واجب از موارد دوران بین اقل و اکثر است. زیرا مکلف یا مأمور به جامع (اقل) است یا مأمور به خصوص واجب تام الاجزاء است یعنی واجب به علاوه قید تعیین (اکثر) و نسبت به اکثر، اصل براءت جاری می‌شود.

۱۰- بر اساس عبارت «تطبيق الاستصحاب علی مورد الرواية [الثالثة] متعذر و حمل المحقق العراقي تطبيق الاستصحاب المقتضى للركعة الموصولة علی التقية لكن الانصاف ان الحمل علی التقية بعيد بملاحظة ان الامام قد تبرع بذكر فرض الشك فی الرابعة» پاسخ محقق عراقی^(۵) به اعتراض بر تعذر استصحاب در صحیحه شک در رکعات و اشکال شهید صدر^(۵) بر آن را بنویسید. ص ۲۲۴ - ۱ نمره

جواب:

محقق عراقی می‌گوید روایت سوم زراره را حمل بر این می‌کنیم که مراد امام^(علیه‌السلام) از اجرای استصحاب، یک رکعت متصله است که تقیه‌ای می‌باشد.

اشکال مصنف: حمل روایت بر تقیه بعید است زیرا امام^(علیه‌السلام) داوطلبانه فرض شک در رکعت چهارم بیان فرموده‌اند و در پاسخ به سؤالی نبوده است که اگر فضا هم تقیه‌ای بوده باشد امام^(علیه‌السلام) باید سکوت کنند نه فتوا بر طبق اهل سنت بدهند.